

١٣

بنده [illegible] در امانت حرف دارد که [illegible] کتاب سر و در

[illegible] نگاری فرا [illegible] شاه که کلک در سلک [illegible]

[illegible] است [illegible] رقم [illegible] الخصوص [illegible] حرف [illegible]

رعایت الطبع [illegible] اجلال تحفه [illegible] الحق [illegible]

چون [illegible] عادم الصوت لعدم [illegible] المعنی [illegible]

[illegible] صفحه المحو [illegible]

[illegible] حفظ [illegible] ملاحظه [illegible] هشتم الله [illegible] که [illegible]

[illegible] داده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] طالع کرام [illegible]

[illegible] نهم شهر محرم الحرام [illegible]

[illegible] تحریر شد [illegible]

[illegible]

... و صحت عهد و عهد ایشان همی ... الغلط

[illegible] ... حالی ... [illegible]

[illegible] ... علی اعلام ... [illegible]

[illegible]

کتبه ... [illegible]

در حالتیکه در چشم انتظار رسیدن [illegible] التفات [illegible] محبوب

بی همتا بودم ناگاه قاصدی در آمد [illegible] قاصد [illegible]

مرغ بسمل بیتاب [illegible] چون نامه را [illegible] مطالعه نمودم از منتهای خوشی

[illegible] لذتی [illegible] [illegible] [illegible] نامه [illegible] بلبل [illegible]

که صحه [illegible] نعمت الهی [illegible] محبت مودت مهجوری

گاهی بهشتی بود [illegible] عالم لذتی [illegible] دست داد

گاهی بیان [illegible] اظهار دلتنگی از فراق [illegible] حالم

بدوام [illegible] بخاطر گذرد [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

۱۳۰۹

تحریر فی عصر یکشنبه دهم شهر جمادی الاولی در [illegible]

[illegible]

[illegible]

جناب حقایق معارف اکتساب فضایل مآب قطب المحققین و زبدة المدققین

نیر شریعت یعنی مرسلین و خاتم النبیین بانی طریقه حق المبین و سالک مسالک

حق الیقین مطلوب المستجهد یعنی من نبی الله و آله بن سنبه تحمه عین الیقین

شریعت مآب حقیقت انتساب طریقت نقاب یعنی خورشید الذی عالم لاهوت

در بند انوار عالم ملکوت و شعشعه شعاع عالم جبروت سباح بحار عالم ج

بقیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

رحمی بیک

امیدوارم حال شریف صحیح باشد دستخط شما در انتظار رحلت ارامنه [illegible] خاطر [illegible] است

چون [illegible] همه اظهار [illegible] مدارا با یاری [illegible] صحبت [illegible] کار مردم [illegible]

[illegible] کلیمی [illegible] انکار کلماتی [illegible] و [illegible] شاعر [illegible]

[illegible] هم [illegible] جای اول [illegible] کند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] المسلمین

مرتضی [illegible]

نسخهٔ جواب صاحب الوزارت روم

در شانی که [illegible] پادشاه [illegible] ضمیر [illegible] شکسته [illegible]

[illegible] عجم [illegible]

افلاطون [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] در رحمت [illegible] [illegible]

عطارد [illegible] [illegible] الهی [illegible]

نامه الفت [illegible] [illegible]

گشتند که [illegible] عالم وجود [illegible] ارکان آن [illegible]

و ارکان [illegible] مخلوط [illegible] [illegible]

[illegible] الحمد لله [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible]



مسند شاهی نام همایون حضرت مقدم علم ارشنه تحریر درادیه انلان [illegible]

مدام نهال سرشته تحریر درایکه [illegible] آیده [illegible]

[illegible] قلم ریاست نامزد [illegible]

درمیان [illegible] حضرت علم [illegible]

کاهی بیان [illegible] حاله [illegible] حضرت محمد [illegible]

الطاف منای لطف [illegible] کلیده [illegible]

[illegible] والسعده [illegible]

زوجم [illegible] طالق ثالث طلقه طالق [illegible] زوجمی طالق [illegible]

زید [illegible] عمرو [illegible] مذکوری [illegible] علیه

زوجم [illegible] طالق

[illegible] مذکوری [illegible] علیه

[illegible] علی ماندن [illegible] طالق

[illegible] تحریرینه [illegible]

[illegible] دعواسی [illegible]

[illegible] زوجم [illegible] اعلم

[illegible] الزوج [illegible]

[illegible]

[illegible]

عرضه [illegible] در جواب نوشتجات [illegible] در عید و مبارکباد و تبریک

و مخالفه و امثال اینها نوشته‌اند

بشرف عرض مقدس عالیجناب تدبیر القاب فضایل و
فواضل اکتساب حقایق و دقایق مآب عوارف و محاسن
لاابد صاحبی قبله و امیدگاهی زید عمره العالی
میرساند که عندلیب خوش الحان گلستان درستی و طوطی
فصیح البیان نگارستان یکجهتی اعنی رقیمه کریمه
عبارت طراز دقیقه [illegible] مراسلات آغاز در این ولا
از [illegible] و اقبال قلمی و ارسال فرموده بودید در ساعتی
سعید و زمانی [illegible] چون صبح عید روشن بخش دیده [illegible]
صفحات [illegible] عمر و پیکر عید طالع شده از [illegible] اختر [illegible]
غرر شب روزی زهره رخ و مشتری [illegible] با چون [illegible]
بود الاطلاع بر مضمون تهنیت عید المثال [illegible]
[illegible] سعود عید مقصود [illegible] بهجت بر بهجت
افزود [illegible] دم دیگر [illegible] دعا
کنونی وقت [illegible] ۱۵۸ [illegible]
[illegible] اشتیاق [illegible]

تحریر و تسطیر دیرادم هر اینه طول طول قلم عنبر رقم
اذلهای انبکلام دیر اولتیش کانم بازجزا هربانه
امیزدارانی خالق لیل و نهار دیخناب اقدس سنجی
عنقه اسیه ینهت پشب فرق علمای رسا
بطلع وصال تیر زلالنجی انشا حبرا اعظم نعمار
نعم حقیقی است روزی کمترانه یا رب دعای
خسته دلان مستجاب کن. باقی امر ورنهایت
باضداد شیمیای محبت آیات و اتباع مجو
دسهم ستمات فوقنم اتقرینی مساعات احوالهم
مزموله ایام مسرت و سعادت مستدام بحرمت رب العباد

ایضاً در جواب نوشته می‌شود

بعرض مقدس عالی میرسانه که در زلال چشمه سار
شفقت و احسان رماد آهین ینابیع مکرمت و امتنان
ایمن تعلیق ربیعه محبت عنوان و دوقیمه شیقه عطایت
امتنان دور امینه اولان سعادت اقتران انجمن
بیچاره و ممبری منقعه ات بیکران بسیار دعای مشکوره
حلاوت بخش من اهل عکر تبهاک ... غفرت
افندم

اندرانی گشت در آن راه این که تشنگان وصال و یک شعبان

کس دیدن و گلزار خاطر ما طره‌ها از سموم غموم مفارقت

بر ثمره و بهار عیش و سرور که از وزیدن بادهای سخن مشابهت

نسیم دهیده مواصلت مجدد مصداق یحیی الارض بعد موتها

تا آن در دریای بی اندازه حاصل شده بار دیگر از سر نو برخیز

چنانچه شکر نه‌ها دکر جا نمی‌تنی از دل تو چه بخرانسته

از کمه بی اعتدالی چمن گلشن الام مفارقت و شرمندگی از دوست

لذا از جنون‌ها سعی دو شتر ... سعادت

سامی عرض نمایم که کیفیت ناراحی متاع قرار و یکمند

صبا... لنز خامه از تحریر و طغرا از تقریر عاجز است

تا یکی شرح نتوان کرد که تحریر نال نوشته قطره شوق

عبرت است که پایان نیست چنین از غلطیدن و مبهم

از حصه رسانیدن مبرور داده استطاعت ندارد

بضاعت محرور آنست لهذا قدم از سرحد اطناب

کشیده ... ساعی در ... بهین ...

اکتفا نمود ... تا کی از ... نشست

از اشتغلی ... چه بنویسم چه کنم

بار ابروبازی سبحه نسبت [illegible] علی بن [illegible]

[illegible] عموم [illegible] بازار [illegible] بزرگتر

[illegible] و امثال اینکه نوشته شد

بعد عرض علیا جناب [illegible]

[illegible] الله [illegible] مستغفر [illegible]

زاهی [illegible] رسول الله [illegible] و بر [illegible]

عرض [illegible]

بعده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اصلاح بر احوال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

است و همواره مسلم ثبت تمام عمر بهجت و عزت با صحت صورت

احوال خیریت مآل فرزند دلبند همیشه بنگارش حالات خیریت

علامات و اوراد دعاء هرگونه خدمات که ممکن فرزند این را

یار و شمار فرمائید البته بجان و دل معمول خواهد

بود ایام مبارکات دیگر مواصلت مبه ایام آن العباد

عن [illegible] به دستک و ابوان و دخواران و امثال ایشان

در ازین خبر [illegible] مبر رسانند از [illegible] مشارقت

از فرزند [illegible] سابق الی الآن اطلاعی بر

کیفیت احوال ایشان [illegible] حاصل نشده بود

و دخته اشاره [illegible] بجهت [illegible] درین [illegible]

دلشاد [illegible] کرده [illegible] آمد [illegible] از نور زندگی

رشحات [illegible] کمالات گوهر سلک [illegible]

بالمرتبه [illegible] مخصوص [illegible] نسبت [illegible]

نسبت آتش هجر لیلی در کانون سینه مجنون شعله

ور شده اگر [illegible] بهارات [illegible] قائم [illegible]

بر آتش [illegible] رازهای عقیده [illegible]

سنبل [illegible] از هجوم [illegible]

است [illegible] اگر از جویبار [illegible] مرحمت [illegible]

هر اینه زر تند بار مجرد میراث باد در شغاله لعل و نهال عبرت
ما دیدیت بحیة از سبب خزان مهاجرت شکوفه
بی برگ و نوا گشته و اگر از شکوفه [illegible] دیده لاله
نی هر [illegible] نزنند اثری از [illegible] به ماه شکوه
کاهی بنالان مرض [illegible] ودرد [illegible]
معیشت خلعه ایجاز نما [illegible] تاره و تنش رسید [illegible]
نو بهار [illegible] عشک [illegible] لام مجرد [illegible] نسیم
بگشاد [illegible] اند از [illegible] کرده با جبر [illegible] زلال
عطور [illegible] خاطر [illegible] تنگ کرده با علام [illegible]
ذات [illegible] صفات [illegible] الخیر [illegible] از [illegible]
ممنون [illegible] در [illegible] لام [illegible] نام [illegible] العباد
مرسله به دوستان خلت آئین دعوت قلمی شد
بعوض [illegible] رسانه [illegible] [illegible]
بعد [illegible] رماندکان [illegible] حظ [illegible] نوشته که [illegible]
نظر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گشته
[illegible] شکفت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ار [illegible] قلم [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] اطراف [illegible]
[illegible]

شتاب از جناب مجدی محبت منزل دوستان
شهادت رسالت دستی تحریر خیر اثر بدان کاغذ برای
ملاطفه که بود دستخط محبت نمط بر شناخت
محرر را بر مرتبه مسرور از زبانهٔ حلقهٔ این ... شناخت
حالی بجان ماندن و استقبال تحریر صحیفهٔ ایام
مواخشه ... آمده و فرد اشتیاق امیری ... لعل
و مغایرت و چه انجیب را منظور نظر سعد ... ف
ایام گذشته پیوسته در شان ... جهار ... مستغفات
دارد ... ملاحظه گشت سوی منزل ... و ... خیر برکت
محبت ... شو بر ... برکات اعتقاد و یگانه
افزوده در ... نشر ارتباط ... یکی یعنی معمول
خواهد شد ایام محبت و ... مستدام بدست اتحاد
مراسلهٔ تعزیت نامه که به دوستان داخلی و دانشمندان ...
قلمی شود بعرض ... عالمیان ... رسانیده از این
واقعهٔ ... سوز و هایلهٔ غم انه و زده در این ایام
غم ... و ... گریسته ... از ... بخیر
و ... بهشت ... هر ... ش ... بهوش و از دل
تا زبان ... لا ... در ... تحمل ... ش ... گرفته
زاده

بستان قابل از منصب عظمی و دایهٔ بهر
حد که شهنشاه امیر حاکم علی الاطلاق دیار ف
ارزاق درد جانکاه الم لیل فراق با اشتیاق
نسیم شفاء بهر داشتن عاطر سوز صعوبت قضیهٔ
بار شکیبائی اعطا بخشد لاله زار صفحات کتب و رقوم
طلیعه شهرستان اشکال خاطر است امثال این
در امور پسندیده بار روزگار غدار بسی تجربه است و ما نحن فیه
متعرف است بلکه از سنین متفرقه معتاد گشته متمم
روزگار است که هر لحظه به نیش ستیزه دلی پر درد مند
دل ریش سازد و هر روز آتش محنت در خانهٔ رفیقی زند و طالبی
و هر دم به غواص فرقت رشتهٔ الفت قطع کند و هر یکی
به نشتر دوری رگ جان را به هیچ دهای افکند درین
دشت بلا چند آنکه پای اندیشه رود هر قدم
خار آزار است و تیشهٔ غیرت کار تند هر طرف
از تکهای داغدار لاله زار فلک دیر خنده سال زاده
ابر بهار الماس افشان است و درین تنگ فضای حرمان
است نه تمیدن ودود به نا اشکی لاله بکن سهر صعقه
رستاخیز منتهی بر آن گرفت ناستکی تا مقام گلستن

گریستن است نه بجای خنده بهین عملا چند از کریمان
فلک بر ترش ورود بکار اندر جلالش در برش گشست
ساکن شد از جنگاه دنیای را خوش نشستن بسبب و ازان
انسلخ سختی امریست مجال رستن مرهم های کامی را
در هر سالی از احوال اسبهام الالام دنیای در دلاون
دور سپهر اغ بالته بنخ تمام برام ایلک مرطبیلا به نه
بر جگر نهادن اولی است تا از برکات صبر و شکیبائی
خود را شایسته بشارت و بشر الصابرین ساخته جمع
بادراک مثوبات عبادت و بذر عبر غضان این
سرای فانی نماید قبالهٔ بیع و شرای
خانه و ملک و امثال اینگونه سبک
غرض از تحریر و تسطیر و تنظیم این کلمات حکایتی است که هزار
الشرع مطاع لازم الاتباع در سلطنت ... اصفهان
عقت باد زمان والان عالیجاه رفیع جایگاه
فلان و فلان و تحقیقت بمبایعه صحیحه شرعیه ابتیاع نمود
همگی و تمامی یکدانگ از کل شش دانگ ...
خانهٔ سعیهٔ مشخصه واقعه در محلهٔ فلان قریهٔ فلان بمبلغ
و ثمن معین درست تومان رایج الوقت ... ما ...

سلطانی مسکوک که سکه دارد آنچه در محکمه بحجت شرعیه
عه و یکهزار دینار عیار ... بتمام حضرت جانب
نیکو فطرت ملان بالقابه ... الکتاب معتبر

غلانی ... غلانی ... غلانی

تا کانه ملحقات شرعیه و منضمات ملیه ... لسان
دیه عنی ... از ... فوقانیه و تحتانیه
متعلق بها شرعا و عرفا و عقیب ذلک مصالحه صحیحه
شرعیه ... از ... عنی
سعت کان ... اقطع ... و ...
... و ... المصالحه بمال ...
... و ... و ... است
... بتصرف مالکانه مستحقانه ...
الملاک ... املاک ... ذوی الحقوق ...
و در ... العقد الخارج اللازم الملی الاسلامی
شرط ... اکبر ... و ... مزبور
مزبور ... بدیکری مبایعه ... مصالحه
... املاک ... از ...
اعتبار ... بسطر و ...

خواهد بود والکرام عالی رحمه و ارتاء امر عین مسلوب باشد و
به هبه معوضه مجلسی بسان و الآن از عهده ذمه مشغول و
الموعوف را آسوده شرایط ادراک ترویه مقام نمایند و
الله زرد علیه صیغه العربیة والفارسیه کما هی جاری
به تاریخ ... و کان ذلک ... هفتم شهر
شعبان المعظم سنه ۱۲۴ ... و کان
سبعه الالف و ... الهجریه النبویه علیه الاف التحیه
حرره ... ابن ... محمد مهدی ... ۱۲

قباله بیع و شراء بعد التحمید

باعث بر تحریر و ترسیم این کلمات شرعیة
الدلالات واضحة المسالک والمنهاج آنست که در روز
فلان بلاغت رقم ... سنه ۱۲ ... حاضر گشته
بعالیمجلس شرع مطاع لازم الاتباع در دار السلطنه
اصفهان صانها الله عن طوارق الحدثان
عالیحضرت نیکو فطرت فلان ابن فلان بالقوه
حکمی و ثانی عرصه و اعیان ملکی ... لذکر یکباب
خانه معینه مشخصه معلومه واقعه در محله فلان
یا قریه فلان یا قصبه فلان محدوده بحدود ... الکتاب

غبن یوق صواب اکا قیمت مثلیه شرعیه

حدی ... نیازنه بران ... نیازنه بران ... نیازنه بران ...

وجمله منقولات اسلامیه دن ازنمرد و ... و ابنیه

و عمارات و بیوتات عثمانیه و فوقانیه و درکار و بحیره

و فضا و بحیره و سقوف و سطوح و الواح و جدران

مختلطه و مشترکه و کلما یتعلق بها من حقوقها التمام

من الآن به من استناد ... ازال ... سم ام لم

و ذکر ام لم یذکر داشته و فی قبضه عامل بالکمیه والکیفیه

نفوذ ... بیعا صحیحا شرعیه و معاقد ...

صحیحه اسلامیه باشتر رضا و عبنت تام تمام ...

الاکوان والانسان دالاف ... ممالک ...

مبلغ ... فی ان ... فضیر ... ازد

... سلطان ... مسکر ... دیمهزار

بنا عیاد و ... بیت ... بشت ... و عین

ذلک مصالحه صحیحه شرعیه ... مزبور عنبن

در ... مزبور ... عنبن ... لن ...

کان ما کان کان ما کان ولو ...

و للعلم ... المصالحه مسبلغ ... مزبور

سنو ...

مسئولی که تمام مرا لمبایعه والمصالحه مبلغ مسرود در فوق

موصوف است و عقد اجرا شد که بطرفین الشرعیتین

اخذ ثمن والمصالحه به نحو احسن العقود اللازمه قطع

تعلق و ازاله علقت و سلب ملکیت بایع مزبور از مبلغ

معدود و ملحقات شرعیه لن بالکلیه شد و محقق

و ملکیت مشتری مزبور استقرار شرعی یافته مشتری مزبور

انحاء تصرفات مالکانه مستحقانه کتصرف الملاک

فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم فبعد هذا بایع مزبور

خواه بنفسه او بنحو علته و کیل او وارث ادعا نماید

از هر جهت اعتبار ساقط و باطل و از منزله صحت

ساقط و عاطل خواه هر بلا و ضمن العقد الخارج اللازم

الملک شرط شرعی بعد از ظهور مستحق در بروز

حق احدی از مبیع و یا انتقال او مبلغ به یکی از اولاد

[illegible] والا از عهده رد ثمن

والمصالحه به خصوصیت در اجرت المثل [illegible] خلاف

شرع بر املاک [illegible] و صیغتین شرعیتین العربیه

والفارسیه بصحت جریان یافت و کان ذلک

[illegible] شهر شعبان المعظم سنه [illegible]

[illegible] كيف [illegible] الى الفتى [illegible]

قال الأصمعي ثم زرت يوما [illegible] ورأيت هذا البيت مكتوبا

ألا يا معشر العشاق بالله خبروا

إذا اشتد عشق بالفتى كيف يصنع

ثم [illegible] مكتوبا عنده [illegible]

يداري هواه ثم يكتم سره

ويخضع في كل الأمور ويخشع

ثم زرت ثانيا ورأيت مكتوبا عنده

فكيف يداري والهوى قاتل الفتى

وفي كل يوم روحه تتقطع

ثم [illegible] مكتوبا عنده

إذا لم يطق صبرا وكتمان سره

فليس له شيء سوى الموت ينفع

ثم زرت ثالثا ورأيت [illegible] هذا البيت [illegible]

هنيئا لأرباب النعيم نعيمهم وللعاشق المسكين ما يتجرع

حرره المذنب [illegible] محمد [illegible]

في شهر [illegible] ١٣٤٢ [illegible]

بعرض میرساند در ساعتی فرح انگیز و [illegible]

پس از حواس خمسه آیات حسنه مانند بیدار [illegible]

در تشبیب اخبار فیض آثار ملازمان [illegible]

انیقه مؤلفت ترجمه سایر ابیات بسیط [illegible]

اسلوب شوق ترتیب و ترتیب یافته بود که الدر المنزل من

السماء نزول و صعود و شوق نزول ارزانی داشت و

منتظران انوار شمائل [illegible] حدیث نامه [illegible]

[illegible] کالشمس [illegible] زبان شعاع

[illegible] استقامت ذات فرخنده صفات [illegible]

سپهر [illegible] انجم [illegible] شاد [illegible] و صبور [illegible]

از [illegible] بار الهی [illegible]

[illegible] است [illegible]

تا کاهی [illegible] رقیمه جات [illegible] سرافراز [illegible]

[illegible] مانند یعقوب از غم فرقت الاحزان

باز است مکتوب در یمنی ارادت مشتاق [illegible]

[illegible] ناگاه بشیر [illegible]

[illegible] زیارت رقیمه انیقه [illegible]

انی لاجد ریح یوسف گویا دمیدگی و از مقام ... استقامت
ذات والا صفات کلمهای سرور و انبساط در خیابان
دلهای خصوصیت ارتباط آغاز شکفتگی نمود و شوق
ملاقات فایض البرکات و مفارقت از ... بهجت
بمرتبه بر خاطر ... شاق و ناگوار است اگر خواسته باشد
شمه از آن در معرض عرض درآورد قلم از تحریر
و ناطقه از تقریر عاجز است ... طاقت در ... شوق
مالالست

اتانی کتاب عزیز کریم کریح الربیع و نشر النسیم
تمت تمام شد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي دل على وجوب وجوده

افتقار الممكنات وعلى قدرته وعلمه

احكام المصنوعات المتعالي عن مشابهة

الجسمانيات المنزه بجلال قدسه عن مناسبة

الناقصات نحمده حمدا يملاء اقطار الارضين و

السموات ونشكره على نعمه المتظاهرات و

المتواترات ونستعينه على دفع الباساء و

البليات وكشف الضراء في جميع الحالات والصلوة

على نبيه محمد صلعم صاحب الايات

البينات المكمل بطريقته وشريعته سائر الكما

لات وآله الذين من الشبهة والضلا

لات اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم من الزلالات